

قاضی ابو مطیع بلخی رح

ابن عالم بزرگ و فقیه شهیر را که نام بردیم یکی از اجل علماء و قضات نامی صدر اسلام است که زادهٔ خاک فضاؤل بار ام‌البلاد بلخ و وطن عزیز میباشد و بعالم اسلام از علم و فضل و دانش و عرفان خود پرنو افشانی کرده .

طوری که جلد ۴ کتاب بحر الاسرار فی مناقب الاخیار و اکثر تذکره ها ثبت نموده اند اسم مخصوص این عالم بگانه با اتفاق همه مورخین عبدا لحکیم فقیه ابن عبدالله است که در شهر بلخ متولد و تربیت شده و شرف سعادت تلا میزدی حضرت امام اعظم معظم رحمة الله علیه را حاصل و فقهه اکبر را از آنجانب روایت کرده است و مدتها قضای بلده مذکور و سرانجام امور جمهور مفوض به رای رزین آن امام دین بود .

منقول است :-

۱ روزی در حضور ابو مطیع شخصی از ابو حنیفه رح سوالی کرد امام گفت یا ابو مطیع افقه (جواب گوی)

۲ مالک ابن انس می گفت اهل بلخ را قاضی است که قایم مقام انبیاء است .

۳ ابو مطیع همواره گفتی کاشکی پسرم در حیاتم فوت شدی تا ثواب مصیبت

زدگانرا نیز دریا فتمی .

۴ از وی سوال کردند که مردی نذر کرد که بر فقیرترین مردمان صدقه بدهد به که بدهد تا نذر او بوفای رسیده باشد ؟ گفت « باید که به علی بن عیسی بدهد تا حانت نشود » گفتند : « بچه معنی ؟ » گفت : « اگر چه خود او از ان مردمان نیست اما بدون شبهه بخداوند آن رساند .

رحلت و مدفن تاریخ رحلتش را ۱۹۹ و قبرش را بر درباب نوبهار مینویسند و نیز در بحر الاسرار مندرج است که « الیوم نیز بطرف شرقی باب مذکور در موضعی که از ان

نابخندق نخمیناً بیست زرع میباشد و از دروازه تا بد آن جای قریب به دو جریب و معروف و مشهور است و قبر بسیاری از عظامای ارباب حال و قال را در آن مقام نشان میدهد .
پسرانش :

یکی مسمی ابو جعفر نذکار بافته که امام احمد بن ابوالطیغ میباشد و بعد از وفات پدر بزرگوار در بلخ قاضی بوده صاحب تصنیفات کثیره است که از آن جمله فتاوی مشتمل برش باب است و در ۲۴۰ هـ وفات کرد .

و دیگر محمد بن القاضی ابو مطیع رحمه الله تعالی و در ۲۴۴ بصوب دارالقرار شتافته . منقول است که چون ابو مطیع را وقت رحلت رسید گفت بهترین مردمان بر من نماز گذارد گفتند آن کیست ؟ به پسر خویش اشارت کرد چون وفات نمود بموجب فرموده او پسرش بدان مهم قیام نمود و او هر روز دوازده هزار تسبیح گفتی و هر شب سه ختم کردی و حدیث بسیار روایت نمودی قبر پسرانش در جوار قبر خود وی بوده اما امروز مشتبه است .

و جز این دو پسر که نام بردیم وی را فرزندان دیگر نیز بوده در ماخذی که بدست است از آنها ذکر نرفته اما وقتی بدیگر کتاب بنظرم خورده بود اکنون آن کتاب بدست نیامد

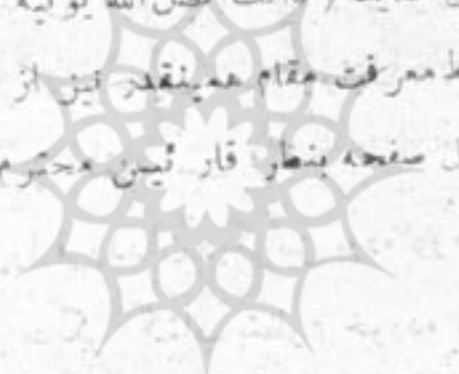
پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکم رنده یکم نیمه شش سال قبل از وفات او نیمه دیگر سه سال قبل بغرض معلومات در اطراف مزارات انو لا که در بلخ رفته و بعد از گردش و تحقیقات بمقا بر رساله مزارات بلخ را نوشتم مزار این بزرگوار را طوری ملاحظه کردم که تعمیرات ماضیه اش بسکلی منهدم گشته و تنها قبر آن معلوم و اثرات ریزه های خشت پخته و چونه آن را احاطه کرد دیگر آثاری از آن باقی نبود حتی لوحه که معرفت قبر را برای ما بعد اشکار سازد نیز از بین رفته .

و میگفتند چون تعمیر انهدام یافت و لوحه از بلندی بیائین افتاد از آنجا که در لوحه ایات بینات قرآنی هم تحریر بود مصلحه برداشته اند که از بی احترامی محفوظ باشد اما هر قدر جستجو کردم بدست نیامد بر باد رفتن عمارت و فقدان لوحه سنگ خیلی متاثرم ساخت تصمیم نمودم که لوحه برای آن ترتیب دهم .

و بقدر استعداد در بلند ساختن و تعمیر مزار پیردازم که حفظ لوحه آن بخوبی
 شود تا در آینده این مزار عالیقدر نامعلوم نگردد، چون ازان سفیر خود
 بر گشتم در بعضی مجالس این مذاکره را مینمودم یکی از جمله احباب
 (حاجی محمد یعقوب) متعهد گردید تا تعمیر مزار موسوف را بنماید همان است
 که مختصر شرح حال این بزرگوار را در هفده بیت متدرج و لوحه سنگی
 تهیه و بخامه عجز خنامه خود تحریر کرده در ماه خوت ۱۳۲۷ با خویش برسد
 و فعلا مرقد را با اندازه سه متر از سطح زمین مر نفع و طاقی طرف سر ساخته
 لوحه را بران نصب ساختم تا عندالموقع آن محب و یا هر که را خدای تعالی
 توفیق بخشد بتجدید تعمیر پرداخته از حسن نیست خدمت باهل الله ثواب تمام
 و نام بردوام حاصل نماید (ذالک فضل الله یوتیه من یشاء)

فعلا برای حفظ معرفت مقام همینقدر نیز از مقتضات است و عکس لوحه
 را هم اینک مقابل صفحه بنظر قارئین محترم ارائه میدهم



محمد ابراهیم خلیل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی و فرهنگی

فصل اول در بیان اهمیت و ضرورت تحقیق در تاریخ و تمدن ایران
 در این فصل به بیان اهمیت و ضرورت تحقیق در تاریخ و تمدن ایران
 پرداخته شده است. در ابتدا به اهمیت تاریخ و تمدن ایران اشاره شده
 و سپس به بیان ضرورت تحقیق در این زمینه پرداخته شده است.
 در ادامه به بیان اهمیت و ضرورت تحقیق در تاریخ و تمدن ایران
 پرداخته شده است. در ابتدا به اهمیت تاریخ و تمدن ایران اشاره شده
 و سپس به بیان ضرورت تحقیق در این زمینه پرداخته شده است.
 در ادامه به بیان اهمیت و ضرورت تحقیق در تاریخ و تمدن ایران
 پرداخته شده است. در ابتدا به اهمیت تاریخ و تمدن ایران اشاره شده
 و سپس به بیان ضرورت تحقیق در این زمینه پرداخته شده است.